

رئیس جمهور مهربان

شعر



مهدي هاشمي

با آن همه کار زیاد اما
دیدم لب تو باز خندان بود
امروز فهمیدم که صبح و شب
فکر تو پیش کل ایران بود

اما تو در یک روستا بودی
یک روستای دور افتاده
همراه مردم راه می رفتی
در کوچه های خاکی ساده

من فکر می کردم تو در تهران
در یک اتاق گرم می مانی
آنجا فقط از صبح، پشت میز
هی می نویسی، نامه می خوانی

